

# انقلاب سفید

ایران چنانچه که میخواست در جهان مطرح شود و بین ملل آزاد جهان از اعتبار برخوردار باشد، نیازمند آن بود که يك اصلاحات بنيادی در ترکیب مملکت رخ بدهد. برای این که چنین اصلاحی صورت گیرد، يك حرکت انقلابی بدون خشونت ضروری بود، که به بیعدالتی ها و ستمگری ها، برای همیشه پایان دهد. برای این که به این هدف برسیم، بسیار مهم بود که:

- \* اصلاحات ارضی رخ دهد و فئودالیسم نابود شود.
  - \* رابطه میان کارفرما و کارگر اصلاح و کارگر از تمامی حقوق قانونی برخوردار شود.
  - \* بانوان باید حق اظهار نظر و رای داشته و از نظر حقوقی با مردان برابر باشند.
  - \* بیسوادی باید ریشه کن شود.
  - \* کسی نباید از بیماری بپزد یا در بدبختی و فقر زندگی کند.
  - \* عقب ماندگی در روستاها باید از بین برود.
  - \* بخشهای محروم باید آباد شوند و توسعه اجتماعی و اقتصادی یابند.
  - \* عدالت قضایی و حقوقی برای همه.
  - \* عدالت اجتماعی و اقتصادی و کم کردن فاصله طبقاتی.
  - \* باز پس گرفتن منابع طبیعی کشور از سودجویان و بیگانگان.
- و ...

با این آرمانها و هدفها بود که در ۱۱ ژانویه ۱۹۶۳ میلادی، شاهنشاه آریامهر، آغاز اصلاحات را در کشور اعلام فرمودند. گروهی از نمایندگان مجلس شورای ملی که از مالکین، خانها و وابستگان اجانب بودند و منافع خود را در خطر میدیدند، و اکثریت مجلس شورای ملی را نیز در اختیار داشتند، با اصلاحات به مخالفت جدی پرداختند و در این راه از پشتیبانی آخوندان مرتجع و جنایتکار که منافع آنها نیز به خطر افتاده بود، برخوردار بودند.

شاهنشاه برای انجام اصلاحات، مسائل، مشکلات، توطئه ها و مخالفتها را با مردم در میان نهادند. در پی آن يك همه پرسی - « رفراندوم » - در کشور برپا شد، که ملت ایران یکپارچه در آن شرکت و به خواسته های شاهنشاه پاسخ مثبت داد. این اصلاحات، در تاریخ ایران، « انقلاب سفید » نام گرفت.

تقریباً تمام زمینهای زیر کشت کشور، بیش از آغاز انقلاب سفید و انجام اصلاحات ارضی، در ید و اختیار آنها، مالکین خصوصی و زمینداران بزرگ بود و این مالکین بهیچوجه رفتار انسانی با زارعین خود که آنها را رعیت میخواندند، نداشتند و ابداً اجازه نمیدادند که وضعیت کار، زندگی و معیشت آنها بهبود یافته و بهتر شود.

در سال ۱۹۶۳، قانونی تصویب شد که مالکیت خصوصی را در زمینهای کشت شده محدود میکرد. این نخستین گام شاهنشاه آریامهر در انقلاب سفید بود.

اصلاحات زمین، در ۳ بخش انجام شد:

(۱)

- هیچ مالکی نمیتواند مالک بیش از يك روستا باشد.

- زارعینی که در زمینی کار میکنند، حق خرید زمین اضافی را با وامی که در طول ۱۵ سال باز پرداخت میشود را، باید داشته باشند.

- بهای زمین، از طریق دادن سهام صنایع دولتی به مالکین پرداخت میشود.

(۲)

مالکین، زمینی که خودشان زمین را کشت نمیکنند، باید به مدت ۳۰ سال زمین را اجاره دهند، و یا به آنهایی که کشت میکنند، بفروشند.

(۳)

مالکینی که زمینهای خود را اجاره میدادند، باید با زارعی که قبلاً در آنجا کار میکرد، درآمد زمین را تقسیم کنند و یا آن قسمت از زمین را که زارع کشت کرده بود، به او بفروشند.

برای تأمین مخارج اصلاحات ارضی، سهام شرکتهای دولتی به بخش خصوصی واگذار شد.

همزمان با انجام اصلاحات، آخوندها (ارتجاع سیاه) و کمونیستها (ارتجاع سرخ)، شدیداً مخالفت خود را با این اصلاحات اعلام کردند و بارها سعی کردند که از انجام اصلاحات جلوگیری کنند. آخوندها و کمونیستها برای بهم زدن و جلوگیری از اصلاحات، دست به ترور، خرابکاری و اغتشاش زدند و مخارج این عملیات از سوی خانها و بیگانگان پرداخت میشد. بهر روی، اصلاحات انجام شد و ایران برغم خواسته ارتجاع سیاه و سرخ، بسوی ترقی، رفاه و مدرنیسم پیش رفت.

اصلاحات ارضی سبب شد، که بیش از دو و نیم میلیون زارع، مالک زمینهایی شدند که خود روزی بر روی آن کار و کشت کرده بودند و بناچار زیر سلطه ستم خان و ارباب قرار داشتند.

بازده انقلاب سفید فقط در عرصه زمین نبود، انقلاب سفید موجب شد که بیش از ۹ میلیون اصله درخت در ۲۶ منطقه کشور کاشته شد، که ۷۰ ۰۰۰ جریب زمین را بصورت يك «کمر بند سبز» به دور شهرها و اتوبانهای بزرگ بوجود آورد. ده ها پارک ملی و ۹۸ ۰۰۰ جریب جنگل احداث شد و ۲۵ ۰۰۰ جریب انواع و اقسام گیاه در اطراف کویرها کاشته شد، تا از پیشرفت آن جلوگیری کرده و صحراهای ایران سبزتر و پر بارتر شود.

در سال ۱۹۶۸، ایران توجه خود را بسوی ملی کردن آبهای خود معطوف کرد. ایران همیشه دچار مشکل کمی آب و خشکسالی بوده است، منابع آبی ما بین ۲۸۰ تا ۵۲۰ میلیون متر مکعب میباشد، یعنی يك میانگینی حدود ۳۷۸ میلیون متر مکعب. در ضمن، ۷۳٪ باران، در دریاها و زمینهای خشک فرو میریزد و به حدر میرود. این به این معنا است که کمی آب در يك سال، خطری بزرگ است و در دو سال، يك فاجعه خواهد بود.

برق نیز جایگاه خود را در این انقلاب داشت. بین سالهای ۱۹۶۳ تا ۱۹۷۷ میلادی، تولید برق در ایران، از ۲٫۳ میلیون کیلووات هر ساعت، به ۲۰ میلیون کیلووات هر ساعت رسید. توانایی نیروگاههای برقی نیز از ۸۵۰ مگاوات به بیش از ۷۵۰۰ مگاوات رسید. آخرین شاهکار این انقلاب نیز آن بود که ۲۵ ۰۰۰ مگاوات انرژی برقی تولید شد.

انقلاب در بخش صنعتی هم رخ داد. انقلاب در این بخش در سال ۱۹۶۳ میلادی انجام شد، به هنگامی که چهارمین اصل انقلاب سفید - سهیم شدن کارگران در سود کارخانجات - اعلام شد. بر اساس این اصل، کارفرما ملزم گشت، که قراردادهای اشتراکی را که اصول زیر را در بر داشت، با کارگران امضاء کنند:

- ۱ - پاداش برای تولید هرچه بیشتر.
- ۲ - پرداخت به کارگران از سود خالص.

سه اصل قوانین کار را رهبری میکرد:

- ۱ - هر ایرانی حق کار دارد.
- ۲ - حقوق کارگران باید متناسب با مخارج زندگی باشد و همسطح آن بالا رود.
- ۳ - حقوق بیشتر برای کارکنانی که بیشتر زحمت میکشند و کار میکنند.

در ماه اوت ۱۹۷۵، سیزدهمین اصل انقلاب سفید بتصویب رسید. تمام واحدهای خصوصی صنعتی که بیش از ۵ سال از فعالیت آنها میگذشت، مجبور شدند که ۴۹٪ سهام خود را به کارکنان و کارمندان خود بفروشند. صنایع جدید بوجود آمده دولتی، بایستی ۹۹٪ سهام خود را میان عموم مردم پخش کنند.

زارعین ایران که روزی فقیر بودند و به آنها توجه ای نمیشد، بسیار دور از عدالت و قانونگزاری زیست میکردند و مشکلات قانونی خویش را درباره مثلا آب، زمین و حیوانات را، با خشونت و زدو خورد حل میکردند، و بی عدالتی و ناحقی بسیار بود و دسترسی به مراجع قانونی و وکیل مدافع امکان پذیر نبود. بنا بر این، بر اساس اصول انقلاب سفید، قانون نزد آنها می رود. خانه های انصاف با حضور و دخالت خود روستائیان در دهکده ها و روستاهای کشور تشکیل شد. خانه های انصاف، دادگاه هایی بودند متشکل از روستائیان که درگیرها و مشکلات آنان را با یکدیگر داوری کرده و حل میکردند. رییس و اعضای خانه های انصاف را خود روستائیان بطور مستقیم انتخاب میکردند. نخستین خانه انصاف، در ماه دسامبر ۱۹۶۳ میلادی، در روستای « مهیا » در نزدیکی شهر اصفهان گشایش یافت. نتیجه کار این خانه، بسیار موفق آمیز بود. در اکتبر ۱۹۶۵، صدها خانه دیگر در روستاها بکار مشغول شدند. اواخر ۱۹۷۷، بیش از ۳۵۸ ۱۰ خانه انصاف در ۱۹ ۰۰۰ روستا که بیش از ۱۰ میلیون تن را در بر میگرفت، بوجود آمده بود.

خانه های انصاف در سال ۱۹۶۵، بیش از ۱۸۰۰۰۰ دعوا را حل و فصل کردند. بر پایه آماری که در اواخر سال ۱۹۷۷ از سوی وزارت دادگستری منتشر شد، خانه های انصاف، بیش از ۳ میلیون دعوا را حل کرد. اگر این دعواها طبق روال عادی قانونی پیش میرفت، هم مخارج زیادی بر گرده روستایی داشت و هم بر بودجه کشور تحمیل میکرد که در توان هیچکدام نبود، و از سویی سیر پرونده سالها طول میکشید. به دیده تنی چند از متخصصین و کارشناسان حقوقی، قضاوت قاضیان بسیار منطقی و عادلانه بود.

سپاه دانش، بهداشت و ترویج و آبادانی، که بر اساس اصول ۸۷، ۶ و ۱۱ انقلاب سفید بوجود آمده بود، نقش بسیار مهمی در ریشه کن کردن بیسوادی در روستاها و با سواد کردن روستازادگان، پاکیزگی روستاها، بهتر کردن بهداشت روستاها و بهتر کردن وضع زندگی و رفاه روستائیان، داشتند. این سه سپاه، نقش بسیار مهمی در ایجاد و ساختن مدارس، درمانگاه، کتابخانه، حمام، راه و دیگر تاسیسات رفاهی، ورزشی و بهداشتی داشتند و زارعین را با اصول فنی و جدید کشت و زرع و کشاورزی مکانیزه، آشنا کردند.

سپاه ترویج و آبادانی، مسئول پیدا کردن مشکلات محلی و از میان بردن آنها بود. بنا بر این بود که هر سپاهی از نظر جغرافیایی، فرهنگی، اقتصادی و نوع کشت، با آن منطقه آشنا باشد. تمام این سپاهیان در مورد چگونگی استفاده از مدرنترین وسایل کشاورزی آموزش دیدند که به روستائیان بیاموزند.

چگونگی واکسن زدن حیوانات، مبارزه با بیماریهای دامی و مسری، کشیدن برق به گاوداریها، شناخت و مبارزه با بیماریهای بومی و مسری انسانی نیز قسمتی از آموزشهایی بود که سپاهیان انقلاب به روستائیان آموختند.

سپاه بهداشت همانگونه که از نامش معلوم است، با بهداشت روستائیان و مناطق روستایی سروکار داشت و برای بهتر شدن بهداشت روستائیان کوشش میکرد. فقط در طی هشت سال، تعداد روستاییانی که از یاریهای پزشکی بهره‌مند شدند، از ۱ میلیون تن به ۸ میلیون تن رسید.

موفقیت این سپاه آنقدر چشمگیر بود، که در سال ۱۹۷۴، این سپاه مسئولیت تمام مسائل بهداشتی و پزشکی را در روستاهای کشور بعهده گرفت.

در سال ۱۹۷۶، این سپاه دارای ۱۴۲۲ کلینیک، ۱۲۴۰ پزشک، ۴۰۰ آزمایشگاه و چند صد داروخانه در روستاها بود.

بدون تردید، یکی از شاهکارهای سپاه بهداشت این بود که اعتماد روستاییان را بخود جلب نمود. قبل از برپایی سپاه بهداشت، روستاییان به رمال و عطار مراجعه میکردند، ولی بعد از آن، آنها دیگر مستقیم به مراکز پزشکی میرفتند آنهم در کشوری که سالها پیش اگر پزشکی به یک زنی میخواست آمپول بزند، باید از زیر پتو و درحضور شوهر و یا پدر و برادر باشد.

سپاه دانش، مسئولیتش مبارزه با بیسوادی بود. قبل از سال ۱۹۶۳، ۲۴٪ از کودکان بین ۶-۱۲ سال کشور، در استانها و ۷۴٪، در شهرها به مدرسه میرفتند و مابقی کودکان از تحصیل محروم بودند. در سال ۱۹۴۳، در کل ایران، ۸۵٪ از ایرانیان بیسواد بودند. تعداد دانش آموزانی که در کلاسهای درس سپاهیان دانش شرکت کردند، در طی ۱۵ سال نسبت به روزهای نخست، ۶۹۲٪ افزایش یافت. فقط در دو سال نخست، ۵۱۰ ۰۰۰ پسر، ۱۲۸ ۰۰۰ دختر، ۲۵۰ ۰۰۰ مرد و ۱۲ ۰۰۰ زن، در کلاسهای درسی که سپاهیان دانش برقرار کرده بودند، شرکت کردند.

سپاه دانش، مدرسه، حمام عمومی و مسجد ساخت و تعمیر کرد. درخت کاشت، کانلهای آبی زیرزمینی کردند، باشگاه های ورزشی تشکیل دادند و صندوق پستی ساختند تا سیستم نامه نگاری نیز در روستاها برپا شود. در سال ۱۹۷۸، بیش از ۱۰۰ ۰۰۰ سپاهی در سپاه دانش خدمت کرده بودند.

این سه سپاه، ساخته شده از مردان و زنانی بودند، که هرگز به یک هموردجویی نه نمیگفتند. اینها فرزندان واقعی این انقلاب بودند.

از آنجایی که موفقیت سپاهیان وابسته به ارتباط و مخابرات تلفنی بود، سه ساتلیت که هر کدام نیز دارای سه کانال تلویزیونی بودند، در مدار نصب شد. این کار بسیار ضروری بود که اگر ناگهان یک حادثه انسانی روی داد و یا بیماری نیاز داشت، فوری بتوانند با متخصصین در تهران و یا شهرهای بزرگ برای درخواست کمک تماس بگیرند. همزمان، یک سیستم ارتباط و مخابرات تلفنی که حدود ۳۰ بیلیون دلار برای ساخت و راه اندازی آن هزینه شده بود، این امکان را فراهم میکرد که هر روستای کوچکی با جهان در ارتباط باشد.

\* پرستاری - ۱۳۵۰٪

\* دوره ابتدایی - ۵۰۶٪

\* دوره راهنمایی تحصیلی - ۲۶۳٪

\* دوره دبیرستانی - ۳۳۱٪

\* رشته های فنی و حرفه ای - ۱۵۵۰٪

\* مدارس سپاه دانش - ۶۹۲٪

تعداد دانش آموزان ایرانی، از ۱٫۵ میلیون نفر در سال ۱۹۶۳ میلادی به بیش از ۱۰ میلیون تن در سال ۱۹۷۸ رسید.

### آمار بودجه تحصیلی در برنامه های عمرانی کشور

\* سومین برنامه عمرانی (۱۹۶۳ - ۱۹۶۷) - ۴۵ میلیون ریال

\* چهارمین برنامه عمرانی (۱۹۶۸ - ۱۹۷۲) - ۱۷۲ میلیون ریال

\* پنجمین برنامه عمرانی (۱۹۷۳ - ۱۹۷۷) - ۵۵۱ میلیون ریال

\* ششمین برنامه عمرانی (۱۹۷۸ - ۱۹۸۲) - ۲۵۰۰ - ۲۷۰۰ میلیون ریال

در سال ۱۹۷۸، ۷٫۴ میلیون دانش آموز وارد مدارس عمومی شدند. در همان سال، ۱۸۵ ۰۰۰ مرد و ۱۸۵ ۰۰۰ زن، در دانشگاه های ایران مشغول به درس خواندن بودند. افزون بر آن، ۱۰۰ ۰۰۰ دانش آموز و دانشجو در خارج از کشور به تحصیل اشتغال داشتند، که ۵۰ ۰۰۰ تن از آنها، در آمریکا پسر میگردند. ۱۸ دانشگاه و ۱۳۷ مدرسه عالی در سراسر ایران فعال بودند و دانشجویان از کمک مالی تحصیلی و دیگر امکانات رفاهی برخوردار بودند.

این تنها بخشهایی از آرمانهای شاهنشاه آریامهر برای میهن به جان بسته اش بود.